



مطالعه تطبیقی تحدید حقوق زنان ناشی از عقد نکاح

لیلا پورمحمدعلی^۱، مهدی یوسفی صادقلو^{۲*}

چکیده:

نظام حقوقی ایران مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا اهمیت ویژه‌ای نسبت به نهاد خانواده قائل است. موضوع نکاح از مهمترین موضوعات قانون مدنی است که در مواد ۱۰۴۵ تا ۱۰۶۱ به آن پرداخته شده است. کرامت زنان ایرانی زمینه‌ساز شکوفایی جامعه خواهد شد و نباید زنان ارجمند کشورمان زیر سایه تعصبات و طرز فکرهای اشتباه قرار گیرند. با تمام این اوصاف، نمی‌توان به راحتی از ظلم‌های مختلفی که به جامعه زنان کشورمان می‌شود، عبور کرد. و نباید از حق و حقوقی که زنان در بخش‌هایی از زندگی اجتماعی در ایران برخوردارند، غافل شویم. متأسفانه بسیاری از زنان ایرانی از حق خود در ازدواج و عقد نکاح اطلاع کاملی ندارند و همین نقصان سبب مظلوم واقع شدن زنان می‌شود. مسئله ازدواج و عقد نکاح بعنوان یکی از مقدس‌ترین امور مربوط به زندگی اجتماعی شناخته می‌شود که در مبانی فرهنگ ایرانی اسلامی، از آن به عنوان ستون‌های مقدس جامعه یاد شده است. بر اساس ماده ۱۱۱۹ ق.م. جمهوری اسلامی ایران، «زن به هنگام عقد می‌تواند هر شرطی را که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد، پیش‌بینی و بر مرد اعمال کند.» بر اساس این ماده، زنان در زمان عقد نکاح می‌توانند در خصوص مسائلی که از نظر شرعی و قانونی ایرادی بر آن وارد نباشد، تصمیم‌گیری نموده و در عقدنامه آن را درج نمایند که این امر زمینه‌ساز برخورداری از جایگاه قانونی در خصوص موارد مربوطه خواهد شد. موضوع پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی حقوق زنان ناشی از عقد نکاح می‌باشد که به بررسی حق تابعیت، اشتغال و حق مسکن زنان در حقوق ایران و بین‌الملل پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، تابعیت، حق مسکن، اشتغال، حقوق ایران، حقوق بین‌الملل.

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ثبت اسناد و املاک، واحد تهران جنوب دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، کرج، ایران. (نویسنده مسئول) m_yousefi_2005@yahoo.com

مقدمه

زنان همواره به عنوان نیمی از اعضای جامعه تأثیرپذیر از همه پدیده‌های اجتماعی بوده‌اند. در کشور ما زنان جامعه امروزی با دیدگاه‌های نشأت گرفته از قانون اساسی و نیز همگام با اهداف برنامه‌های رو به توسعه کشور، در عرصه‌های مختلف فعالیت چشمگیری دارند. به عبارت دیگر، جایگاه و نقش اجتماعی آنان در راستای برنامه‌های نظام آن چنان شفاف گردیده که حیثیت و مصالح خانوادگی با مصالح ملی گره و پیوند عمیقی خورده است. در قانون مدنی ایران، وظیفه اقتصادی و تأمین معاش بر عهده شوهر گذاشته شده است، بدین معنا که تأمین نفقه، مسکن و بهداشت به طور متعارف و نیز هزینه‌های مربوط به آموزش و تربیت فرزندان به عهده وی می‌باشد. گرچه زوجه حق تملک را دارا می‌باشد، و لهذا به موجب قانون مدنی، زن دارای هر گونه استقلال مالی می‌باشد. لیکن هیچگونه تعهدی از لحاظ قانونی و حقوقی در ارتباط با تأمین نیازهای اقتصادی خانواده بر عهده او نمی‌باشد. همچنین، در قانون مدنی و هم در قانون کار، اشتغال به کاری که خلاف شئون شوهر باشد، ممنوع شده است. در این ارتباط، قانون مدنی مقرر می‌دارد: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. البته، مبنای مصالح خانوادگی عادت و رسوم اجتماعی و اخلاقی است که در صورت اختلاف، دادگاه صالح به تشخیص موضوع می‌پردازد. هدف از انجام این پژوهش، پرداختن به موضوع تحدید حقوق زنان ناشی از عقد نکاح در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. عقد

عقد در لغت عرب، در اصل به معنای بستن و گره زدن آمده است و از این رو، عرب به قلاده و گردنبندی که به گردن بسته می‌شود، «عقد» می‌گوید (جوهری، ۱۳۸۸: ۵۱۰).

مفهوم فقهی و حقوقی عقد به مفهوم لغوی آن نزدیک است؛ فقها عقد را «التزام مرتبط با التزام دیگر»، «ربط دو التزام»، «ربط دو قرار» و مانند آن تعریف کرده‌اند (خویی، ۱۳۹۱: ۱۴).

از نظر حقوقی نیز عقد «ترازی طرفین» برای ایجاد یک اثر حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۱). بنابراین، توافق دو یا چند طرف در صدق مفهوم عقد ضرورت دارد و همین امر موجب تمایز مفهوم عقد و ایقاع است.

۲-۱. مفهوم نکاح

نکاح، مصدر ثلاثی و غیرقیاسی از ریشه نکح است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۲۱). نکاح که با معنای

اصطلاحی و مورد بحث ما تناسب دارد، انضمام و اختلاط است (فیومی، ۱۴۱۴: ۶۲۴). در ادبیات حقوقی فارسی، واژه ازدواج همدوش با نکاح مورد استفاده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۰). اهمیت تعریف نکاح در گشودن راه برای شناسایی حقیقت نکاح است. نکاح در لغت به معانی جمع کردن، زن را شوهر دادن و مرد را زن دادن، زناشویی کردن، زناشویی بستن، زناشویی، عقد ازدواج، جماع و همبستر شدن است (شعرانی، ۱۳۹۷: ۴۹۶). قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ» (بقره/۲۳۷) مگر آن که خود (زنان) گذشت کنند یا کسی که گره زناشویی و امر نکاح به دست اوست (ولی)، گذشت کند.

۱-۳. عقد نکاح

عقد نکاح از عقود لازم است، یعنی هیچ یک از طرفین نمی‌تواند آن را به میل خود و بدون رضایت دیگری فسخ کند، مگر در موارد خاصی که قانون معین کرده است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۳: ۲۶۰۲). حال با توجه به آنچه در معنای واژه نکاح و عقد بیان شد، به تعریف نکاح می‌پردازیم. یکی از سنت‌های حاکم بر زندگی انسانها و عامل بقاء بشر و ازدیاد نسل که مورد قبول و تایید همه قوانین بشری است، موضوع ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد. ازدواج عقدی است بین زن و مرد که زن را شرعاً بر مرد حلال می‌کند و هدف آن ایجاد ارتباط برای زندگی مشترک و تولید نسل است. به عبارتی، ازدواج ایجاد پیوند زناشویی است که به وسیله صیغه عقد، ایجاد می‌شود. نکاح رابطه‌ای است حقوقی-اخلاقی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آن دو حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند. مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است. این تعریف شامل هر دو قسم نکاح یعنی دائم و موقت می‌شود. در مذهب شیعه امامی، ازدواج دو قسم موقت و دائم دارد. در ازدواج موقت، در صیغه عقد، مدت معینی در نظر گرفته می‌شود و بعد از آن مدت، زن و شوهر بدون طلاق از هم جدا می‌شوند (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۹۶: ۳۹۰). مهمترین تفاوت ازدواج موقت و ازدواج دائم، در مدت دار بودن ازدواج موقت و لزوم بیان مدت آن در صیغه عقد است (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

۲. نکاح با اتباع بیگانه

یکی از امور مربوط به احوال شخصیه اتباع خارجه، نکاح است. وفق ماده ۱۰۵۹ ق.م ایران، مرد بیگانه غیرمسلمان مطلقاً حق ازدواج با زن مسلمان ایرانی را ندارد و در صورتی که مسلمان باشد، ازدواج زن ایرانی با وی وفق ماده ۱۰۶۰ ق.م مستلزم اجازه مخصوص از طرف دولت است. بدیهی است بیگانگانی که مجاز به عقد نکاح با زنان ایرانی هستند، باید وفق ماده ۹۷۰ ق.م، طبق مقررات شرعی و قانون مدنی ایران تشریفات عقد نکاح را رعایت نموده و آن را به ثبت برسانند.

روابط شخصی و مالی زوجین در صورتی که تبعه یک کشور واحد باشند، تابع قانون دولت متبوع آنهاست و در صورت تفاوت تابعیت به حکم ماده ۹۶۳ ق.م.تایع قوانین دولت متبوع شوهر است. فسخ نکاح نیز از قواعدی که گفته شد، تبعیت می‌نماید. طلاق نیز از حیث اسلوب تعارض قوانین تابع قانون کشور متبوع زوجین است (سلجوقی، ۱۳۸۸: ۲۹۶).

۱-۲. تبدیل تابعیت زن به تابعیت شوهر

طبق ماده ۹۸۷ ق.م. زنان ایرانی مجاز به ازدواج با اتباع خارجی هستند، اما ازدواج به این ترتیب دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل تابعیت آنها به تابعیت دولت متبوع همسر، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول، امکان تحصیل تابعیت همسرشان و به طور کلی، آثار متعددی از لحاظ حقوقی بر زن خواهد داشت. در ماده فوق، در صورت تحمیل تابعیت شوهر بعد از ازدواج، این زنان تابعیت خود را از دست داده و در کشور خودشان همچون بیگانگان با آنها برخورد می‌شود.

مطابق بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م. تابعیت ایرانی به وی تحمیل می‌شود و در فرضی که زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج کند، اگرچه بر اساس ماده ۹۸۷ ق.م. و تبصره (۱) آن به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند، ولی اگر مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود یا قانون مملکت زوج او را مخیر گذارد و زن ایرانی با دلایل موجه خواهان کسب تابعیت مملکت زوج باشد، تابعیت ایرانی از وی سلب می‌شود. با این ازدواج، زن ممکن است تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد، یعنی اگر در قوانین کشور مرد، زن بعد از ازدواج تابعیت کشور مرد را بگیرد، به این ترتیب زن ایرانی تابعیت کشور خود را از دست می‌دهد. البته، بعد از فوت شوهر یا جدایی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام برگ تصدیق فوت شوهر یا سند جدایی و متارکه، تابعیت ایرانی زن با تمام حقوق و امتیازها مجدداً به او تعلق خواهد گرفت. همچنین، زن وقتی تابعیت را از دست می‌دهد، حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی شود، از دست می‌دهد. البته همه این موارد با مرگ شوهر یا جدایی از وی، به پایان می‌رسد.

۲-۲. پیامدهای تابعیت زن ایرانی در صورت ازدواج با بیگانه

با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت هرچند که تابعیت در زمره موضوعات حقوق عمومی است و تعیین‌کننده اصلی آن را امروزه منافع سیاسی و ضرورت‌های اجتماعی می‌دانند، اما نکته بسیار مهمی که نمی‌بایست در این زمینه نادیده گرفته شود، نتایج و آثاری است که تابعیت و تغییر آن می‌تواند برای یک زن و به دنبال آن، خانواده و زندگی زناشویی وی داشته باشد. مشکلات و

تبعات ناشی از ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی از جهات متعدد قابل بررسی و امعان نظر است؛ که به صورت ذیل مطرح است:

۲-۱- محدودیت در تملک

طبق تبصره ۲ ماده ۹۲۸ ق.م. تأثیر ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بر حقوق مالی این گونه زنان (زنانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی، تابعیت خود را به نفع تابعیت خارجی شوهر از دست می‌دهند)، به لحاظ آنکه نسبت به جامعه ایرانی، بیگانه تلقی می‌شوند، و در حقوق آنها نسبت به اموال غیرمنقول محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود. براین اساس، آنها حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد، ندارند. زن‌های ایرانی که در اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند، حق داشتن اموال غیرمنقول جز آنچه که در زمان ازدواج دارا بوده‌اند، ندارند. این حق هم به وراثت خارجی آنها منتقل نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۵۹۶).

۲-۲- محرومیت از حقوق سیاسی

این بخش مختص زنان ایرانی می‌باشد و در صورتی که زن تبعه دولت ایران نباشد، از آن محروم خواهند شد، مانند شرکت در انتخابات، مناصب سیاسی، قضایی (نصیری، ۱۳۹۵: ۶۹).

۲-۳- تبعیت در احوال شخصی از کشور متبوع

در صورت ازدواج با بیگانه، اموال شخصی زن، دیگر تابع قانون ملی ایران نخواهد بود. و وفق ماده ۷ ق.م تابع قانون کشور متبوع شوهر می‌شود (بداغی، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

۲-۴- احتمال تابعیت مضاعف

اگر قانون کشور زوج تابعیت شوهر را به زن تحمیل نکند و زن ایرانی تابعیت خود را محفوظ دارد و زن از طرف اقامتگاه یا سیستم خاک تابعیت زوج را تحصیل نماید، زن شوهردار می‌تواند دارای تابعیت مضاعف باشد (همان: ۱۳۵).

۲-۵- آزاد نبودن در انتخاب همسر

آزادی انتخاب همسر در زندگی زنان ایرانی تحت تأثیر قوانین ناظر بر تابعیت محدود می‌شود. و این در حالی است که مردان آزادی عمل دارند و می‌توانند بدون نگرانی همسر خود را از اتباع بیگانه انتخاب کنند، زیرا تابعیت همسر خارجی به آنها تحمیل نشده و تابعیت ایرانی فرزندان

حاصل از این ازدواج نیز قطعی است.

۲-۲-۶. محدودیت حقوق مالی و ارث

قوانین ایران حقوق مالی و ارثی زنان را که با اتباع بیگانه عقد زناشویی می‌بندند، به شدت محدود می‌سازد. به موجب ماده ۹۶۳ ق.م، اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. زنان از حیث حقوق ارثی حتی از سهم الارث معین در قوانین ایران نیز محروم می‌شوند. قوانین ایران در موضوع ارث نیز بازتابی از قوانین ناظر بر تابعیت است (امامی، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

۲-۲-۷. محدود بودن در حقوق مادری

به موجب ماده ۹۶۴ ق.م، روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است، مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت، روابط بین طفل و مادر او تابع دولت متبوع مادر خواهد بود. از طرفی، به موجب بند ۲ ماده ۹۶۱ ق.م، اتباع خارجه در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده، تابع قوانین دولت متبوع خود هستند. بنابراین، حضانت که از جمله احوال شخصی است، در موردی که پدر تبعه خارجی است، تابع قوانین حاکم در دولت متبوع او می‌باشد. از ترکیب مواد قانونی این نتیجه حاصل می‌شود که چون روابط پدر و مادر با فرزندان در ایران تابع قانون دولت متبوع پدر است، لذا زنان ایرانی که با مرد خارجی ازدواج می‌کنند، روابطشان با فرزندان بر پایه قانون دولت متبوع شوهر تنظیم می‌گردد (امامی، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

۲-۲-۸. محدود بودن در حقوق فرزندان

فرزندانی که نتیجه ازدواج زن ایرانی با شوهر خارجی هستند و در خارج از کشور متولد شده‌اند، این بخت و فرصت قانونی را نداشته تا از تابعیت ایرانی مادران خود بهره‌مند شوند (امامی، ۱۳۹۳: ۱۶۹). فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی حتی چنانچه در ایران متولد شوند، بیگانه تلقی شده و صرفاً در حدود بیگانگان از حقوق بهره‌مند خواهند شد. تولد چنین اطفالی در ایران آنها را تنها موضوع ماده واحده قانون تعیین تکلیف فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی خواهد کرد (همان: ۱۶۹).

۲-۲-۹. عدم تعلق تابعیت

وضعیت خیلی سخت‌تر می‌شود در جایی که قانون مدنی کشوری که تابعیت آن کشور به آن

دسته از زنان خارجی که با مردان کشور فوق ازدواج کرده‌اند، اعطاء می‌شود که به صورت قانونی ثبت شده باشد و گرنه تابعیت تعلق نخواهد گرفت و اگر دولت ایران نیز اینگونه ازدواج‌ها را غیرقانونی اعلام کند، کشور مزبور نیز آن را غیرقانونی اعلام خواهد کرد و از ورود اینگونه افراد به آن کشور مخالفت خواهد شد (بداغی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

۳. وضعیت حقوقی زنان بیگانه که با مردان ایرانی ازدواج می‌کنند

بنابر قانون ایران با قطعیت یافتن ازدواج زن تبعه خارج با مرد ایرانی، تابعیت وی به تابعیت شوهر تغییر می‌یابد، لذا زوجه ایرانی می‌شود، خواه قانون کشور متبوع وی این تغییر را بپذیرد یا ازدواج را با مرد بیگانه در تابعیت وی مؤثر نداند و زن را همچنان تبعه خود به شمار آورد. بر این اساس، در ازدواج زن بیگانه و مرد ایرانی پس از طی مراحل و کسب اجازه ازدواج از سوی مقامات صلاحیتدار، دستورالعملی برای ثبت ازدواج اتباع خارجی با اتباع ایرانی وجود دارد که باید از سوی طرفین رعایت شود. این دستورالعمل می‌گوید اگر زن خارجی دارای دفترچه پناهندگی و یا گذرنامه و اقامت مجاز در ایران باشد، مراحل ثبت ازدواج از طریق نیروی انتظامی، امور اتباع خارجه، انجام و برای بانوی خارجی پس از ثبت قانونی ازدواج، شناسنامه ایرانی صادر می‌شود. همچنین، بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م.ا.م می‌دارد: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود» (نصیری، ۱۳۹۵: ۷۱).

لذا، خواه قانون متبوع زن این تغییر را بپذیرد یا نپذیرد، وی ایرانی است. این قانون موجب ایجاد تابعیت مضاعف برای زن بیگانه که با مرد ایرانی ازدواج می‌کند و علاوه بر این، خروج شوهر از تابعیت ایران به خودی خود موجب خروج وی از تابعیت ایران نمی‌گردد. البته، به موجب ماده ۹۸۸ دولت ایران معجز تغییر ماهیت را برای زن صادر نماید، ولی تابعیت ایرانی زن با پایان یافتن ازدواج نیز به خودی خود از بین نمی‌رود. تابعیتی را که زن خارجی به این وسیله کسب می‌کند، قطعی است. اگر شوهر در مدت زناشویی از تابعیت ایران خارج گردد، زن در تابعیت ایران باقی خواهد ماند؛ مگر اینکه مطابق ماده ۹۸۸ ق.م.ا.م اجازه دولت برای ترک تابعیت شامل زن مزبور نیز بشود. همچنین، با پایان یافتن ازدواج چه از طریق فوت شوهر یا طلاق، این تابعیت از بین نمی‌رود. در عین حال، ماده ۹۸۶ ق.م.ا.م شرایط بازگشت زن به تابعیت اول خود را پیش‌بینی کرده است (نصیری، ۱۳۹۵: ۷۱).

۳-۱. حق مسکن زوجه

یکی از موارد حق زنان در ازدواج و عقد نکاح، امتیاز مسکن می‌باشد. برخلاف گذشته، امروزه زن‌ها خواستار این موضوع هستند که در خصوص محل اقامت و شهری که می‌خواهند در آن

زندگی نمایند، تصمیم‌گیری کنند.

با عنایت به ماده ۱۰۰۵ ق.م جمهوری اسلامی ایران، «اقامتگاه زن شوهردار، همان اقامتگاه شوهر است، اما زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین، زنی که با رضایت شوهر خود یا با اجازه محکمه، مسکن علیحده (جداگانه) اختیار کرده است، می‌تواند اقامتگاه شخصی علی‌حده نیز داشته باشد.»

مسکن از مصادیف نفقه زوجه محسوب می‌شود و حق انتخاب مسکن با شوهر است و زن نمی‌تواند خانه مورد نظر خود را بر شوهر تحمیل کند، مگر این که اختیار مزبور به زن داده شود. البته، شوهر نیز باید در انتخاب مسکن، شئون همسر خود را ملاحظه نماید و خانه‌ای مناسب و لایق حال او تهیه کند، زیرا منزل به ملکیت زن در نمی‌آید و زن تنها حق انتفاع از منزل را دارد. از این رو، موقعیت اجتماعی او در تهیه منزل معتبر است. از سوی دیگر، خداوند مردان را از این که به همسران خود زیان رسانیده و به تنگنا آورند، نهی فرموده است (نجفی، ج ۳۱، ۱۴۰۴: ۳۳۹).

در حقوق ایران نیز اختیار مسکن اصولاً با مرد است که بخش نخست ماده ۱۱۱۴ ق.م ایران به این موضوع اختصاص یافته است. ماده ۱۱۱۴ ق.م ایران مقرر می‌دارد: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، زندگی کند. در واقع، یکی از جلوه‌های تمکین، **سکونت زن در منزلی** است که شوهر تهیه کرده است.» از طرفی، ماده ۱۱۱۹ و ۱۱۱۴ ق.م این اجازه را صادر کرده است که به صورت شرط ضمن عقد، اختیار تعیین مسکن به زوجه واگذار گردد. ملاک برای تعیین مسکن برای زن به طور کلی شأن اوست و نه توانایی شوهر. به این صورت که قانونگذار حسب ماده ۱۱۰۷ ق.م مسکن را از موارد نفقه قرار داده است که تهیه آن بر عهده شوهر است و در تعیین نفقه دادگاه و کارشناس تعیین نفقه می‌بایستی شأن زن را ملاک عمل قرار دهند و نه توانایی مالی یا شأن شوهر را (جعفرزاده، ۱۳۹۶: ۳۲).

۳-۲. منع یا محدودیت اشتغال زوجه

یکی دیگر از مواردی که شوهر به استناد ریاست خود بر خانواده (ماده ۱۱۰۵ ق.م)، جهت حسن جریان امور و حفظ مصالح خانواده حق دخالت دارد، مسأله اشتغال زوجه است. به این بیان که مرد می‌تواند به همسر خود اجازه دهد به حرفه یا شغلی اشتغال ورزد و یا او را از اشتغال به حرفه یا شغلی منع نماید.

مطابق ماده ۱۱۱۷ ق.م، حق مرد در ممانعت از اشتغال همسر مطلق نیست. لذا، لازم است حدود اختیار زوج در این مورد بررسی گردد.

مطابق قانون، زوج حق منع اشتغال همسر را به طور مطلق ندارد. از ماده ۱۱۱۷ ق.م چنین بر

می‌آید که زوج فقط می‌تواند از اشتغال همسر به مشاغل خاص به دلیل تنافی با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین جلوگیری نماید، زیرا در ماده ۱۱۱۷ ق.م.آ.م.د: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». بنابراین، حق زوج فقط در مخالفت با بعضی حرفه‌ها و صنایع بوده و مطلق اشتغال نمی‌باشد. مشاغلی منافی حیثیت محسوب می‌گردد که در نظر عرف، مذموم و ناپسند بوده، مانند اسپند دود کردن سر چهارراه‌ها، یا مشاغلی که مورد نهی قانون قرار گرفته‌اند، مانند تکدی‌گری.

بدین ترتیب، اگر شوهر با شغل زن به دلایل مذکور مخالفت نماید و مدعای خود را در دادگاه ثابت کند، زن باید شغل خود را تغییر دهد و شغلی را برگزیند که با مصالح خانواده سازگار باشد. لذا، شوهر می‌تواند با شغل زن مخالفت نماید، اما با اشتغال وی نمی‌تواند مخالفت نماید.

۴. ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده

ماده ۱۱۱۷ ق.م. به حق زوج در مخالفت با بعضی مشاغل زوجه اشاره نموده، اما راجع به نحوه تشخیص تنافی شغل زن با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین مطلبی ندارد. در حقیقت، آن را به نظر زوج موکول کرده است، اما در ماده ۱۸ ق.ح.خ. مقررات کاملتری وجود دارد که نیازمند بررسی می‌باشد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

ماده ۱۸ ق.ح.خ. که در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید، همان متن ماده ۱۵ ق.ح.خ. مصوب ۱۳۴۶ است که تغییراتی در آن ایجاد شده، در ماده ۱۵ ق.ح.خ. آمده بود:

«شوهر می‌تواند با تایید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.» در این متن، بر لزوم «تایید دادگاه» تاکید شده و مطلب مهم دیگری در مقایسه با ماده ۱۱۱۷ ق.م. ندارد. ماده ۱۸ ق.ح.خ. بر این متن نکات دیگری افزوده است. این قانون بیان می‌دارد:

«شوهر می‌تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد، منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند.» در این قانون علاوه بر قید «تایید دادگاه»، باید به دو نکته مهم دیگر نیز توجه نمود (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

۴-۱. تحلیل حقوقی ماده ۱۸ ق.ح.خ.**۴-۱-۱. لزوم تایید دادگاه**

سیر تحولات حقوق خانواده نشان می‌دهد که قانونگذار برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، اختیارات مرد را در خانواده محدود نموده است. مانند محدود شدن اختیار مرد در انتخاب همسر دوم به کسب مجوز از دادگاه، محدود شدن اختیار مرد در طلاق همسر و...؛ در مورد اقتدار ناشی از ریاست مرد بر خانواده نیز همین سیاست مشاهده می‌شود. مثلاً زوج حق دارد با شغل همسر در مواردی مخالفت نماید، ولی از آنجا که امکان دارد مرد از حق خود سوءاستفاده نماید و با شغل زن حتی در مواردی که با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین منافاتی ندارد، نیز مخالفت نماید. لذا، در ماده ۱۸ ق.ح.خ. تشخیص منافات شغل با مصالح خانواده یا حیثیات زوجین به دادگاه موکول شده است. در قوانین موضوعه ایران ناسخی برای این حکم دیده نمی‌شود.

به این نکته نیز باید اشاره شود که تایید دادگاه در منع شوهر از شغل زن، در مورد پذیرش سمت قیمومت ضرورتی ندارد. لذا، هرگاه زن بخواهد قیمومت فرزندی را بپذیرد، باید موافقت شوهرش را داشته باشد و نیازی به تایید دادگاه نمی‌باشد. ماده ۱۲۳۳ ق.م. بیان می‌کند: «زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر خود سمت قیمومت را قبول کند»، زیرا سمت قیمومت، شغل محسوب نمی‌شود تا در حکم عام ماده ۱۸ ق.ح.خ. قرار گیرد؛ مگر زن این سمت را به خاطر وجه اقتصادی آن شغل خود قرار دهد، در این صورت تابع مقررات ماده ۱۸ ق.ح.خ. خواهد بود (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

۴-۱-۲. حق زوجه در مخالفت با شغل همسر

در ماده ۱۱۱۷ ق.م. نسبت به حق زن در مخالفت با شغل شوهر مطلبی ذکر نشده، ولی قانون حمایت خانواده به این مورد اشاره نموده است: «...زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید...». شرایط و مواردی که زن می‌تواند با شغل همسر مخالفت نماید، همان است که در بحث حق زوج در مخالفت با شغل زوجه بیان گردید و از این جهت تفاوتی وجود ندارد؛ البته در این مورد از جهت دیگری تفاوت وجود دارد که بیان خواهد شد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

۴-۱-۳. عدم اختلال در معیشت

اگر زنی با شغل همسرش مخالفت نماید، دادگاه در صورتی به درخواست زوجه ترتیب اثر می‌دهد و حکم به ممنوعیت اشتغال زوج به مشاغل خاص می‌دهد که اختلالی در معیشت خانواده ایجاد نشود. به همین دلیل در ادامه این ماده آمده: «... دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند». مبنای حکم این است

که زوج مسئول تأمین معاش خانواده است، در حالی که زوجه چنین مسئولیتی ندارد. بنابراین ماده ۱۱۱۷ ق.م. که فقط به حق زوج در مخالفت با شغل همسر اشاره نموده و متعرض حق زوجه نشده، ناقص می‌باشد و بهتر است حکم اضافی ماده ۱۸ ق.ح.خ. در ماده ۱۱۱۷ ق.م. نیز درج گردد (هدایت‌نیا، ۱۳۸۵).

۵. مقایسه تطبیقی قوانین موضوعه ایران و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان

کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان یا کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، یک معاهده بین‌المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) به اجرا درآمد (منتظران، ۱۳۹۹).

مقایسه تطبیقی قوانین موضوعه ایران و مفاد کنوانسیون زنان حاکی از آن است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، زن از هویتی مستقل برخوردار است و تمامی حقوق اساسی و مدنی او مورد توجه قرار گرفته و شواهد زیادی در آیات و روایات و قوانین جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این مسئله وجود دارد؛ ولی فحوی مفاد کنوانسیون، تحت لوای اندیشه‌های فمینیستی، گویای آن است که زنان تحت هر شرایطی باید بتوانند دقیقاً همان فعالیت‌هایی را انجام دهند که مردان می‌توانند، بی‌آنکه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی آنها توجه شود. این در حالی است که از منظر نظام حقوقی ایران که برگرفته شده از آموزه‌های دین مبین اسلام است.

۵-۱. بررسی اصل وحدت تابعیت زوجین در کنوانسیون‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه بسیاری از کشورها به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه تابعیت ملحق شده‌اند، بررسی مفاد این کنوانسیونها در مورد اصل وحدت یا استقلال تابعیت زوجین ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۱-۱. کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه در مورد تعارض در حقوق تابعیت^۱

اگر داشتن تابعیت برای هر شخصی جزء ضروریات نظم بین‌المللی است، همان نظم ایجاب می‌کند که هر شخصی تنها تابعیت یک دولت را داشته باشد. برای رفع مشکل تابعیت مضاعف، اقداماتی در سطح بین‌المللی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون لاهه در مورد تعارض

^۱ - Convention on Certain Questions Relating to the Conflict of Nationality Law- The Hague, 12 April 1930

تابعیت مصوب ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ اشاره کرد. در واقع، یکی از اهداف کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه، حل مشکلات مربوط به تعارض قوانین مربوط به تابعیت در کشورها بوده است که باعث ایجاد تابعیت مضاعف (در فرض تعارض مثبت) و بی‌تابعیتی (در فرض تعارض منفی) می‌شود (عابدین، ۱۳۸۹: ۳۴۸). در مقدمه کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه به ایده آل بودن حذف تابعیت مضاعف و مفید بودن امحاء آن مقرر گردیده: «با اطمینان به اینکه به نفع کل جامعه بین‌المللی است که تأمین نماید که تمامی دولت‌ها این موضوع را به رسمیت بشناسند که هر شخص بایستی دارای تابعیت باشد و تنها دارای یک تابعیت باشد (بالازاده، ۱۳۹۳: ۴۷). با شناسایی این ایده آل که تلاش‌های بشری در این حوزه بایستی متوجه لغو تمام موارد بی‌تابعیتی و تابعیت مضاعف باشد». این توصیه‌ی قرارداد لاهه شامل دو اصل اساسی «لزوم تابعیت» و «وحدت تابعیت» است.

همچنین فصل سوم این کنوانسیون به مبحث «تابعیت زنان متأهل» اختصاص داده شده است. در این رابطه، ماده ۸ کنوانسیون بیان می‌دارد: «اگر قانون دولت متبوع زن باعث از دست رفتن تابعیت او به واسطه ازدواج با یک فرد خارجی گردد، این نتیجه می‌بایست مشروط به تحصیل تابعیت دولت متبوع شوهر باشد». به طوری که مشاهده می‌شود، این قاعده برای جلوگیری از بروز بی‌تابعیتی در زنانی است که با فرد بیگانه ازدواج می‌کنند و در پی وضع سیستم خاصی برای تابعیت زن پس از ازدواج نمی‌باشد. مواد ۱۰ و ۱۱ این کنوانسیون نیز بیان‌کننده‌ی آن هستند که اولاً تغییر تابعیت شوهر در طول دوران ازدواج نباید بر تابعیت همسر تأثیری بگذارد، مگر اینکه این امر خواسته‌ی خود زن باشد. در ثانی، تابعیت اصلی زن که در اثر ازدواج آن را از دست داده است، پس از انحلال ازدواج، تنها با رضایت خود وی به او برگردانده می‌شود. همچنین، هرگاه زن تابعیت اولیه خود را به دست آورد، تابعیتی را که در اثر ازدواج به دست آورده بود، از دست خواهد داد.

۵-۱-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

بند ۱ از ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند: «هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد». برابر بند ۲ همین ماده: «احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد». در کنار این ماده می‌توان به ماده‌ی ۷ همین اعلامیه نیز اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «همه در برابر قانون مساوی‌اند و حق دارند بدون تبعیض و به طور مساوی از حمایت قانون برخوردار باشند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که نقض‌کننده‌ی اعلامیه‌ی حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند». با جمع این دو ماده می‌توان گفت که طبق این اعلامیه زنان و مردان باید در موضوع قوانین تابعیت نیز از حقوق

مساوی بر خوردار بوده و بتوانند اختیارات خود را در این باره به طور یکسان اعمال کنند. با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که اعلامیه جهانی حقوق بشر استقلال تابعیت زوجین را پذیرفته و پیروی از اصل وحدت تابعیت زوجین را که در واقع تحمیل تابعیت زوج بر زوجه است، تبعیض علیه زنان می‌داند (ایمانی‌نائینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

۵-۱-۳. کنوانسیون تابعیت زنان ازدواج کرده (۱۹۵۷)^۱

این کنوانسیون که مختص مسئله‌ی تابعیت زنان شوهردار و تأثیر ازدواج بر تابعیت آنهاست، در ۲۰ فوریه ۱۹۵۷ در نیویورک به تصویب رسید و شامل یک مقدمه و ۱۲ ماده است. با نگاهی به این کنوانسیون می‌توان دریافت که ازدواج هیچ تأثیری بر تابعیت زنان ندارد، به طوری که ماده‌ی ۱ آن مقرر می‌دارد: «هر یک از کشورهای عضو موافقت می‌نماید که نه انعقاد و نه انحلال عقد ازدواج میان یکی از اتباعشان و یک فرد بیگانه و نه تغییر تابعیت توسط شوهر در طول دوران ازدواج، به طور خودبخود تابعیت زن را تغییر نخواهد داد».

همچنین، طبق ماده‌ی ۲ همین کنوانسیون، «تحصیل داوطلبانه‌ی تابعیت یک کشور دیگر یا بازگشت به تابعیت اصلی توسط مرد نمی‌بایست مانع از حفظ تابعیت همسرش گردد.» در ماده ۳ کنوانسیون هم تأکید شده است که «زمانی که زن خارجی با مرد تبعه عضو کنوانسیون ازدواج نماید، تابعیت دولت عضو به زن خارجی تحمیل نشود و این زن بر تابعیت قبلی خود باقی بماند و چنانچه بخواهد تابعیت دولت عضو را به دست آورد، دولت عضو باید امکان پذیرش به تابعیتش را برای وی فراهم آورد.» به همین ترتیب، کلیه‌ی مواد این کنوانسیون بر آنند که هرگونه تأثیر در تابعیت زن را که ممکن است به تع ازدواج یا تغییر و تحولات تابعیت همسر به وجود آید، نفی کنند. در این موضوع، سیستم استقلال تام تابعیت در کنوانسیون پذیرفته شده و کنوانسیون میان زنان تبعه و بیگانه تفاوتی قائل نیست.

۵-۱-۴. اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)^۲

کنوانسیون رفع تبعیض، تابعیت را یکی از حقوق زنان دانسته و به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که در این مورد به زنان حقوق مساوی با مردان اعطاء کنند. از این رو، ماده ۹ کنوانسیون که دارای دو بند می‌باشد، به بیان این حق اختصاص دارد و مقرر می‌دارد که ازدواج با فرد خارجی یا اصولاً تغییر تابعیت شوهر نباید هیچگونه تأثیری بر تابعیت زن داشته باشد، لذا از دولت‌ها می‌خواهد که

^۱ - Convention on the Nationality of Married Women. New York, 20 February 1957

^۲ - The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW), adopted in 1979

تضمین کنند ازدواج با فرد خارجی یا تغییر تابعیت شوهر در طی دوران پس از ازدواج، خودبخود باعث تغییر تابعیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل تابعیت شوهر به وی نگردد (ذیل بند ۱ ماده ۹). بنابراین، کنوانسیون به طور آشکار از نظریه «استقلال تابعیت» زن پیروی نموده و تحمیل اجباری تابعیت شوهر را نفی کرده است.

۵-۱-۵. اصل وحدت تابعیت در کنوانسیون اروپایی تابعیت (۱۹۹۷)^۱

کنوانسیون اروپایی تابعیت در مقدمه‌ی خود علاوه بر در نظر داشتن اسناد بین‌المللی بی‌شماری که در مورد تابعیت، چند تابعیتی و بی‌تابعیتی وجود دارد، این مسئله را شناسایی کرده و اذعان داشته در مسائل راجع به تابعیت، باید به منافع مشروع دولت‌ها و افراد توجهی خاص مبذول شود. همچنین، در این مقدمه بر آگاهی از حق احترام به خانواده - که در ماده‌ی ۸ کنوانسیون «حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی» درج گردیده است - تأکید شده است. چند ماده از این کنوانسیون نکاتی مختص تابعیت زن را مطرح کرده است:

الف) در بند ۴ ماده‌ی ۴ از فصل دوم، بیان می‌شود که ازدواج و انحلال آن میان تبعه‌ی دولت عضو و یک فرد خارجی و تغییر تابعیت یکی از همسران در دوران ازدواج، هیچ کدام به خودی خود بر تابعیت همسر دیگر تأثیر نخواهد داشت.

ب) ماده‌ی ۵ این کنوانسیون مقرر می‌دارد:

۱) قواعد تابعیت دولت عضو نباید شامل تبعیضات یا متضمن رویه‌ای باشد که باعث تبعیض بر مبنای جنس، مذهب، نژاد، رنگ، منشأ ملی یا نژادی گردد.

۲) هر دولت عضو اصل عدم تبعیض را میان اتباع خود اجرا خواهد نمود، اعم از اینکه آنها به محض تولد تبعه‌ی آن دولت گردیده باشند یا آنکه بعداً تابعیت آن کشور را تحصیل نموده باشند. در کنار استقلال تام تابعیت که توسط این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است، مورد الف از بند ۴ ماده‌ی ۶ کنوانسیون هم دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا در قوانین داخلی خود، کسب تابعیت برای «همسران اتباع خویش» را تسهیل کنند (ایمانی‌نائینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

بنابراین، طبق این کنوانسیون، ازدواج مرد تبعه با زن خارجی موجب تحمیل تابعیت مرد بر تابعیت زن خارجی نخواهد بود و وی بر تابعیت قبلی خود باقی مانده و در صورت تمایل می‌تواند بعد از گذشت مدت زمانی تابعیت همسر خود را کسب کند، و زن تبعه نیز به هنگام ازدواج با مرد خارجی تابعیت خود را به دلیل تحمیل تابعیت مرد خارجی از دست نمی‌دهد.

۶. حق اشتغال زنان در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

^۱ - European Convention on Nationality. Strasbourg, 6.XI.1997

در واگذاری مشاغل بایست به نکات مهمی چون مصلحت جامعه و خانواده، شرایط و مصالح فردی و اولویتها در واگذاری کار به اشخاص توجه شود، چرا که نظام حقوقی ایران، از حامیان افزایش نقش زنان در جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد، اما نه به این معنا که در کنوانسیون درج و ترویج شده است؛ بلکه منظور، اختصاص کار هماهنگ با طبیعت و ویژگی‌های روحی و جسمی زن است؛ واگذاری مشاغل سخت و زیان آور به زنان، با مصالح فردی، اجتماعی و خانوادگی آنها سازگاری ندارد. روشن است که این مسئله جزو تمایزاتی است که کنوانسیون آن را بر نمی‌تابد و بطور مستقیم با ماده‌ی ۱۱ کنوانسیون در تعارض می‌باشد. بر طبق مفاد کنوانسیون، هر چند حق اشتغال بعنوان یکی از حقوق اساسی زنان به رسمیت شناخته شده است، اما نکته حائز اهمیت این است که آنچه مبانی فکری کنوانسیون را تشکیل می‌دهد، دیدگاه اومانسیسمی است که سبب گردیده به مقوله جنسیت توجهی نشده و نه تنها برابری کامل زنان و مردان در زمینه اشتغال مطرح باشد؛ بلکه اشتغال برای زنان امری واجب قلمداد گردد. احراز چنین مسئولیت و تکلیف سنگین بر زنان سبب گردیده که نقشهای مادری و همسری وی دستخوش فراموشی گردد که حاصل چنین رویکردی وارد آمدن لطمات بسیار به زنان بوده که از جمله آنها می‌توان به افزایش سختی کار برای زنان و ازهم گسیختگی خانواده‌ها اشاره کرد. این در حالی است که بر مبنای قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، ضمن پذیرفتن حق اشتغال، محدودیتهایی نیز لحاظ گردیده و ناشی از توجه به ویژگیهای طبیعی و جسمانی زن و مرد بوده و تمامی وظایف، تکالیف و حقوق انسانها بر مبنای این تفاوت‌های فطری قرار داده شده است (متظران، ۱۳۹۹).

کنوانسیون در ماده‌ی ۱۱ به امر اشتغال زنان پرداخته و به طور خلاصه می‌توان اهم مطالب آن را به شرح ذیل عنوان نمود:

۶-۱. رفع تبعیض در اشتغال زنان

کنوانسیون ضمن الزام دول عضو در تضمین تساوی میان زن و مرد در امر اشتغال، ایشان را متعهد به فراهم نمودن زمینه‌های مناسب در امور ذیل می‌نماید:

شناختن حق اشتغال به عنوان حق ذاتی تمامی افراد بشر (قسمت الف بند ۱ ماده‌ی ۱۱)،
استخدام یکسان (قسمت «ب» بند ۱ ماده‌ی ۱۱)، تنوع شغلی و عدم محرومیت در انتخاب شغل
(قسمت «ج» بند ۱ ماده‌ی ۱۱) و تضمین سلامتی و ایمنی در کار (قسمت «و» بند ۱ ماده‌ی ۱۱).

۶-۲. اشتغال و ازدواج و بارداری زنان

کنوانسیون در این خصوص دولتها را موظف به تضمین موارد ذیل می‌نماید:
اعمال اقدامات مناسب در خصوص ممنوعیت اخراج غیرقانونی زنان در بارداری و زایمان

(قسمت «الف» بند ۲ ماده ۱۱)، حفظ موقعیت شغلی به هنگام زایمان (قسمت «ب» بند ۲ ماده ۱۱)، ارائه خدمات حمایتی جهت هماهنگی مسئولیت‌های خانوادگی و شغلی (قسمت «ج» بند ۲ ماده ۱۱) و حمایت از زنان باردار در مشاغل سخت و زیان‌آور (قسمت «د» بند ۲ ماده ۱۱).

۶-۳. اصلاح قوانین حمایتی اشتغال زنان

کنوانسیون در بند ۳ ماده ۱۱ تأکید می‌کند که قوانین حمایت‌کننده ذکر شده در این ماده باید همگام با پیشرفت علم و تکنولوژی مورد بازبینی قرار گرفته و در صورت لزوم لغو یا تمدید شوند (منتظران، ۱۳۹۹).

۷. حق مسکن و اقامتگاه در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

حق مسکن در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (مصوب ۱۳۴۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر این نکته تأکید شده است که زنان حق دارند از رفاه و زندگی آبرومندانه برخوردار باشند. برای نیل به این مهم، آنها مجازند به کار پردازند و از حاصل دست‌رنج خویش در بهبود شرایط زندگی، اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و مانند آن استفاده نمایند (الهدی، ۱۳۸۵: ۵۴).

بر این اساس، ماده ۱۵ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان دول عضو به زنان، حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می‌کند و همچنین، دول عضو به زنان و مردان حقوقی یکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادی و انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

حضور اتباع خارجی فراوانی در ایران و همچنین، حضور ایرانیان بسیاری در خارج از کشور و ازدواج اتباع ایرانی و غیرایرانی موضوع وحدت در تابعیت زوجین را در حقوق ایران با چالش‌های جدیدی رو به رو ساخته و اجرای اصل تعدد تابعیت را در مواردی موجه ساخته است. نگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تر به مواد قانون مدنی ایران و سایر قوانین مربوطه در رابطه با یکی از مهمترین اصول حاکم بر تابعیت، یعنی اصل وحدت تابعیت و مقایسه آن با کنوانسیون‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که:

قانونگذار ایرانی در برخورد با اصل وحدت تابعیت زوجین، دو رویه اتخاذ نموده است: اولاً، زنان خارجی در صورت ازدواج با مردان ایرانی به تابعیت ایران در خواهند آمد. در این حالت، قانونگذار اصل وحدت تابعیت را به صراحت پذیرفته است. ثانیاً، زنان ایرانی که با مردان خارجی ازدواج می‌نمایند، چنانچه قوانین متبوع شوهر، تابعیت مرد در حین ازدواج را بر زن ایرانی تحمیل

نماید، این زن تابعیت اولیه خود را از دست خواهد داد. اما اگر قوانین متبوع شوهر تحمیل تابعیت را پیش‌بینی ننموده باشند و یا زن را در انتخاب تابعیت شوهر مخیر کرده باشند، زن ایرانی براساس سیستم استقلال تابعیت به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر آنکه با اراده خود و با ترک تابعیت ایران، تابعیت کشور متبوع شوهر را کسب نماید.

با نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مشاهده شد که چه در اصول و مبانی تابعیت و چه در راهکارهای عملی آن، هیچ تفاوتی بین زن و مرد دیده نمی‌شود. به علاوه، در مسأله تأثیر ازدواج بر تابعیت اتباع، زن و مرد به مثابه یک ماهیت و تنها به عنوان یکی از زوجین شناخته می‌شوند. از این رو، زنان در صورت ازدواج با اتباع خارجی نه تنها هراسی از مشکلات آینده در زمینه تابعیت و کودکان و اموال خود نخواهند داشت، بلکه به موجب قانون می‌توانند و این حق را دارند که همسر خود را نیز به تابعیت خود دعوت نمایند.

در رابطه با حق اشتغال زنان، حقوق ایران حق اشتغال را با توجه به ریاست شوهر بر خانواده مطابق ماده ۱۱۱۷ ق.م منوط به این دانسته است که شغلی که همسر انتخاب می‌کند، مغایر با شأون خانواده و منافی مصالح خانوادگی نباشد، اما در کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان دولت‌های عضو را ملزم به تضمین و رعایت حقوق تساوی بین زن و مرد در امر اشتغال دانسته و حق اشتغال را به عنوان حق ذاتی تمامی افراد بشر دانسته است که این مورد با موازین حقوقی در ایران متفاوت است.

همچنین، در رابطه با حق مسکن زوجه در حقوق ایران مطابق ماده ۱۱۱۴ ق.م مقرر داشته است که زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند، زندگی کند. در واقع، یکی از جلوه‌های تمکین، سکونت زن در منزلی است که شوهر تهیه کرده است. و همچنین، مطابق ماده ۱۱۰۷ ق.م مسکن را از موارد نفقه قرار داده است و همچنین، اذعان دارد که شوهر باید شأون و مرتبه زن را در انتخاب مسکن در نظر بگیرد. اما بر اساس ماده ۱۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می‌کند و همچنین، دول عضو به زنان و مردان حقوقی یکسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادی و انتخاب مسکن و اقامتگاه اعطا خواهند کرد.

منابع

قرآن کریم

- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۹۰). **حقوق بین‌الملل خصوصی**، نشر بهتاب.
- امامی، محمد (۱۳۹۳). **ازدواج اتباع بیگانه با ایرانیان**، قم، انتشارات بخشایش.
- ایمانی‌نائینی، محسن؛ صادقی، محمود؛ عبدی، فاطمه (۱۳۹۰). **بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی**، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳(۵۴): ۹۱-۱۳۴.
- بالازاده، زهره (۱۳۹۳). **حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت**، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان، تهران، نشر مردم‌سالاری.
- بداغی، فاطمه (۱۳۸۳). **ازدواج و تابعیت زن ایران**، مطالعات راهبردی زنان، ۶(۲۴): ۱۲۳-۱۴۴.
- جعفرزاده، علی (۱۳۹۶). **حقوق مدنی**، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی نگاه بین.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۲، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۸). **الصحاح**، ج ۴، تهران، انتشارات امیری.
- حسینی، سیدمجتبی (۱۳۹۲). **احکام ازدواج (مطابق با نظر ده تن از مراجع عظام)**، قم، دفتر نشر معارف.
- خوئی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۳۹۱). **مصباح الفقاهه فی المعاملات**، ج ۱، گردآورنده: محمدعلی توحیدی، قم، انتشارات موسسه النشر الاسلامی.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن؛ قریب، محمد (۱۳۹۷). **نثر طوبی (دائرة المعارف لغات قرآن مجید)**، تهران، انتشارات اسلامی.
- عابدین، حسین (۱۳۸۹). **ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی**، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۲۸.
- فیومی، احمد بن مقری (۱۴۱۴ه.ق). **مصباح المنیر**، قم، دارالهجره.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). **حقوق مدنی خانواده**، ج ۱، تهران، شرکت انتشارات.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). **قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). **قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات میزان.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۱). **بررسی فقهی حقوق خانواده**، تهران، نشر علوم اسلامی.
- منتظران، زهرا (۱۳۹۹). **مطالعه تطبیقی اشتغال زنان در حقوق ایران و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان**، مقاله درس روش تحقیق.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ه.ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- نصیری، محمد (۱۳۹۵). **حقوق بین‌الملل خصوصی: کلیات، تابعیت، اقامتگاه (وضع اتباع**

- بیگانه و تعارض قوانین و دادگاهها)، جلد اول و دوم، تهران، نشر آگه.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۶). فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
- هدایت نیا، فرج الله (۱۳۸۵). اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی، مطالعات راهبردی زنان، ۹(۳۴): ۴۶-۷.
- الهدی (۱۳۸۵). اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی، تهران، الهدی.

References:

- Convention on Certain Questions Relating to the Conflict of Nationality Law, The Hague, 12 April 1930
- Convention on the Nationality of Married Women, New York, 20 February 1957.
- European Convention on Nationality, Strasbourg, 6.XI.1997.
- The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW), adopted in 1979.